



سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده

فصل دیگری از فوتبال کشورمان با قهرمانی تیم پرمهره و تنهاجی تراکتور تمام شد؛ یک قهرمانی با اختلاف زیاد، بدون پنالتی و البته برخی حواشی. هرچند تراکتور صدرنشین لیگ بیست و چهارم شد؛ اما فراتر از برد و باخت معمول و نتایجی که جدول را رقم می‌زنند، این لیگ که همچنان اسم و رسمش به هم نمی‌آید، برنده‌ها و بازنده‌های متفاوتی داشت. لیگی که بهرغم آمدن VAR هنوز اشتباهات داوری عجیب دارد؛ هزینه‌های عجیب و غریبی در آن صورت می‌گیرد اما کیفیتش به اندازه هیاهویش نیست. با ۴۷۵ گل به میانگین عجیب و تلخ ۱/۹۸ گل در هر بازی رسید؛ یعنی برای هر گل تماشاگران باید حدود ۴۵ دقیقه صبر می‌کردند؛ آن‌هم گل‌هایی که بیشتر اوقات روی ضربات ایستگاهی و... به ثمر می‌رسید. در این لیگ هنوز بازی‌ها فیزیکی است؛ فرهنگ هواداری با مشکلات زیادی مواجه است، احکام کمیته انضباطی عجیب و درمواردی غیرقابل درک است و با سقوط تیم خوب و ریشه‌دار نساجی هم همراه شد. لیگی که هنوز وقت‌کشی برای حفظ اختلاف گل یک به سبک تیم‌های آماتور در آن جریان دارد؛ چمن‌هایش مثل فیلم برداری‌ها غیراستاندارد است و از قضا هر دو به گزارش‌ها می‌آیند. لیگی که خروجی چندان‌مشتبی برای تیم ملی ندارد و اگر هم داشته باشد چندان مورد توجه کادر فنی نیست؛ خارجی‌هایش در بیشتر مواقع به بازیکنان داخلی و تیم‌ها چیزی اضافه نمی‌کنند و صحبت درباره کم‌وکاستی‌هایش زیاد است. در این پرونده از زاویه‌ای متفاوت از نتایج صرف فوتبال سراغ موضوع برنده‌ها و بازنده‌های لیگ امسال رفتیم.

برنده‌ها

از هواداران تراکتور، تا طراح پوستر ملوان

برد و باخت فقط براساس توپ‌هایی که از روی خط دروازه‌ها عبور می‌کند، مشخص نمی‌شود؛ گاهی برنده بودن مفهومی فراتر از نتیجه‌ای است که بازیکنان داخل زمین کسب می‌کنند و به خیلی چیزها بستگی دارد؛ حتی شاید پشت برنده بودن خیلی تیم‌ها فقط بازیکنان یا کادر فنی نباشند.

دروازه‌بان ۱۹ ساله‌ای که با یک تصمیم جسورانه از پرسپولیس جدا شد تا بازی کند و حتی به تیم ملی هم دعوت شد تا امین حزباوی ۲۱ ساله، ابوالفضل زمانی ۱۸ ساله، مهدی زارع ۲۱ ساله، هاشم‌نژاد ۲۲ ساله، رضاغندی‌پور ۱۸ ساله، عنایت‌زاده ۱۹ ساله، برارجه ۱۹ ساله، مجتبی فخریان ۲۱ ساله و در نهایت محمد دیندار ۱۷ ساله که در هفته‌های آخر حسابی درخشید. بازیکنانی که اگر مربیانی جسور و تحول‌خواه بالای سرشان باشند و به آن‌ها اعتماد کنند، می‌توانند نسل جدید موثری را برای فوتبال ملی باسازند.

پوسترهایی پر از فرهنگ‌سازی

پوسترهایی که تیم‌ها قبل از بازی‌ها منتشر می‌کنند کم‌کم هم در فرم پیشرفت کرده‌اند. باشگاه ملوان در اقدامی زیبا از کودکان یک مرکز خیریه برای طراحی پوسترها کمک گرفت. تیم‌هایی هم بودند که از طرح‌هایی مبتنی بر هویت ملی استفاده کردند. البته در مواردی هم بود که پوسترها باعث دلخوری‌هایی شد. اما هرچه هست ای کاش طراحی این پوسترها با پرهیز زمینه‌سازی برای لذت بردن از فوتبال برود.

جیب پر پول دلال‌ها

امسال هم عجایب زیادی در لیگ ما رقم خورد؛ مثل بازیکنان خارجی گمنامی که آمدند؛ بازی نکردند، شکایت کردند و پول خوبی به جیب زدند؛ البته نه فقط خودشان، بلکه دلالان و حتماً بخشی از آدم‌هایی که داخل خودتیم‌ها در این روند موثر بودند. لیگ ما امسال در حالی کیفیتش پایین‌تر بود که قیمت بازیکنان داخلی در مواردی می‌توانست به بازیکنان موثر لیگ‌های دیگر تنه بزند. آن‌هم بازیکنانی که جایی جز لیگ برتر خودمان ندارند اما به لطف فضای مجازی، بازوهای رسانه‌ای و کانال‌های هواداری و فن پیج‌ها و البته مدیریت غلط بازیکنان ارقام عجیبی گرفتند که قابل تصور نیست. به طور مثال فقط قسط اول یکی از بازیکنان لیگ برتر ۳۵ میلیارد تومان نقد بوده که همان اول فصل گرفته و پیش بینی می‌شود در ادامه با آپشن‌های مختلف و... به نزدیک ۱۰۰ میلیارد هم برسد. حالا فهمیدید چرا برخی بازیکنان ژست‌های متعصبانه می‌گیرند؟ پشت پنالتی می‌ایستند و مدام در فضای مجازی حضور دارند؟



شما نتیجه واقعی را باختید دوستان

گاهی ممکن است نتیجه ظاهری در داخل مستطیل سبز مشخص شود؛ اما نتیجه واقعی خارج از آن. گاهی ممکن است یک تیم در ظاهر خوب نتیجه بگیرد اما برنده نباشد. در لیگ امسال هم شاهد این موضوع بودیم.

مدیران پرسپولیس و سپاهان

درویش فقط نقل و انتقالات اول فصل را با رفتن بیرانوند، ترابی و اسماعیلی‌فر وگذار نکرد؛ بلکه حتی با رفتن آن‌ها می‌توانست تیم بهتری را ببندد و تصمیمات درستی بگیرد. با این حال همین درویش بهرغم اشتباهاتش طی سال‌های اخیر تجربه چند جام مختلف را دارد. اما مدیران سپاهان که عامل گرانی‌مارکت فوتبال ایران هم هستند به نظر می‌رسد در هیاهوی رسانه‌ای جذب و حفظ بازیکنان‌شان، اثرگذاری واقعی را فدای پیروزی بر تیم‌های دیگر در نقل و انتقالات می‌کنند. سپاهان را باید طی سال‌های اخیر قهرمان نقل و انتقالات و ناکام انتهای هر فصل دانست.

ساختار شکن‌ها

پایان لیگ با یاد خلیج همیشه فارس و توجهی که تمام تیم‌ها به نام زیبایی ایران داشتند باعث شد عده‌ای معدود از کسانی را که در لباس هواداری روی بحث‌های قومیتی سوار شده بودند حتی پرچم کشور‌های دیگر را بلند می‌کردند، جزو بازنده‌ها بدانیم. هرچند آن‌ها در هر شرایطی بازنده هستند چون آدمی که هویت ملی نداشته باشد، جایی در نشاط فوتبال هم نخواهد داشت و یک بازنده تمام عیار است.

فدراسیون فوتبال، کمیته انضباطی و...

در این فصل اتفاقات عجیب و غریبی در فوتبال ما رخ داد که اگر کمیته انضباطی و ارکان حقوقی فدراسیون فوتبال و... ورود درستی به آن داشتند، جلوی بسیاری از حواشی گرفته می‌شد. این طور که مشخص است برخی از تیم‌ها سقف قرار داده‌ها را رعایت نکردند. از طرفی ماجرای فسخ بیرانوند

شاید وقتی دیگر...

لیگ در حالی به پایان رسید که شاید این فصل خدا حافظی تلخ فوتبال‌ها با بسیاری از چهره‌ها و تیم‌ها باشد. افرادی که برنده و بازنده نبودند اما دوران‌شان به نوعی تمام شده است.

جای خالی نساجی

نساجی سقوط کرد؛ امیدواریم این تیم ریشه‌دار زود برگردد و رفتنش موقتی باشد. در جایی که تیم‌های متمول با کمترین بازیکن بومی یا محصول از آکادمی همیشه جزو مدعیان هستند؛ تلخ است که تیم‌های بازیکن پرور سقوط کنند و نگران باشیم شاید حالا حالا‌ها به سطح اول فوتبال برنگردند.

عالیشاه و امیری

وحید امیری کم‌کم ۳۷ ساله می‌شود و شاید وقت خدا حافظی‌اش رسیده باشد؛ عالیشاه هم در ۳۳ سالگی اگر در پرسپولیس نباشد بعید نیست در کل خدا حافظی کند. به خصوص این که هر دو در این

اول این که باز هم شاهد اشتباهات داوری بزرگی بودیم که حتی بعد از بازی‌ها هم بین کارشناسان داخلی و خارجی محل بحث قرار می‌گرفت که نشان می‌دهد فوتبال ما در کل به لحاظ داوری به شدت از دنیا عقب است. غیر از اشتباهات، کیفیت کمک‌داور ویدئویی استفاده شده در لیگ پایین، زمان اعلام نتیجه و بررسی طولانی و باعث سکنه‌های طولانی در بازی بود. کم‌مانده بود داورها برای بازی‌بینی صحنه‌ها مراجعه کنند و اشتباهه سریال‌های آی فیلم را تماشا کنند.

خط دفاع پرسپولیس و کانال‌های هواداری‌اش

پرسپولیس از زمان برانکو خط دفاع قدرتمندی داشت؛ اما آن‌ها در این فصل رکورد عجیب دریافت ۱۳ گل از روی ضربات ایستگاهی و شروع مجدد رایتب کردند که اتفاق عجیبی است. مشکلی که از اول فصل دامن آن‌ها را گرفت و هیچ جوری هم رفع نشد. از طرفی تیم گاردیزمانی در صدر بود؛ مصدومیت اورونوف، امیری، عالیشاه، العمودو... تیم را دچار چالش کرد؛ اما در بین تمام در دسرهای فنی و غیر فنی، برای مدتی طولانی تمرکز کانال‌های هواداری پرسپولیس روی بازی کردن یا بازی نکردن یاسین سلمانی بود. گاردیزو فرت، سلمانی توسط باقری به ترکیب اضافه شد؛ اما حتی کریم هم او را تحمل نکرد. بازیکنی که با نوعی بی‌خیالی در زمین بازی می‌کرد اما در عوض با بحث‌های دامنه‌داری که حول بازی نکردنش ایجاد شد تیم به شدت درگیر چالش و حاشیه شد.



تیم‌های اروپایی بروند تا بتوانند با کسب تجربه به تیم ملی کمک کنند. در عوض بازیکنانی مثل جهانبخش، قلی‌زاده، امیرعابدزاده، عزت‌اللهی، محرمی، مغالو، نوراللهی و... نامزد بازگشت به لیگ خودمان هستند؛ آن‌هم در شرایطی که نه ترانسفرهای مان‌دیگر موثر و خوب است؛ نه بازگشتی‌ها می‌توانند به سطح لیگ‌مان کمک کنند.